

پیشگیری از خشونت خانگی

- ▶ در تعریف خشونت خانگی می توان گفت: «خشونت خانگی خشونتی است که در محیط خصوصی خانواده به وقوع می پیوندد و عمیقاً میان افرادی رخ می دهد که به سبب صمیمیت، ارتباط **خونی** یا **قانونی** به یکدیگر پیوند خورده اند.
- ▶ همچنین بر اساس تعریفی دیگر «خشونت خانگی مراقبت سایر اعضای خانواده با بکارگیری زور و اعمال و رفتارهایی است که از نظر جسمی، جنسی و روانی خشونت آمیز هستند.»

▶ خشونت خانگی در ایران تا چند سال پیش به مفهوم **پدیده** و **آسیب** **اجتماعی** اصلاً مدنظر نبود، هر چند برخی موارد حاد خشونت خانگی در مطبوعات انعکاس می یافت، اما به صورت معمول خشونت به مثابه رفتار نابهنجار فردی در نظر گرفته می شد و اگر در مورد آن بحث و گفت و گویی می شد، برای روشن کردن **علل فردی** رفتار **خشن** بود،

- ▶ از چند سال قبل به این طرف،
- ▶ سرانجام این پدیده مورد توجه سازمان ها و محافل علمی قرار گرفت و اقدام های چندی در این زمینه صورت گرفت
- ▶ که از جمله آنها می توان برگزاری سمینارها، سخنرانی ها و حتی تشکیل گردهمایی هایی با هدف بررسی و مقابله با خشونت های خانگی اشاره کرد.

▶ خشونت در خانه انواع و اقسام متعددی را شامل می شود و به اعتبار **نوع** و **یا شخص** قابل تقسیم بندی می باشد، اقسام خشونت خانگی به اعتبار نوع خشونت، شامل خشونت جسمی، خشونت روانی، خشونت جنسی، خشونت بهداشتی، خشونت مالی و... می شود. به اعتبار شخص نیز خشونت خانگی ممکن است در یکی از اشکال همسرآزاری، کودک آزاری، فرزندکشی، ضرب و جرح و یا قتل والدین و خشونت فرزندان درباره ی یکدیگر ظهور و بروز پیدا کند.

1- خشونت خانگی علیه زنان

▶ آمار سازمان جهانی بهداشت بیانگر آن است که 16 تا 52 درصد زنان توسط شریک زندگی خود مورد خشونت واقع می شوند و 28 درصد زنان در کشورهای توسعه یافته و 18 تا 67 درصد زنان کشورهای در حال توسعه حداقل یک بار آزار بدنی را گزارش کرده اند.

▶ شدت و بزرگی مسئله خشونت خانگی علیه زنان و نحوه برخورد با آن تابع هنجارها و ارزش های اجتماعی فرهنگی هر جامعه است، بنابراین نوع برداشت و تعریف خشونت خانگی علیه زنان و عوامل زمینه ساز آن می تواند متفاوت و وابسته به نوع فرهنگ جامعه بوده و این تفاوتها بیانگر گوناگونی سیاست ها و برنامه های پیشگیرانه در جوامع مختلف را توجیه نماید.

▶ با وجود شیوع بالای مسأله در جوامع، مطالعات کمی در زمینه عوامل
زمینه ساز بروز آن انجام شده است از سوی دیگر اغلب پژوهش ها
در این زمینه بر روی نمونه های غیر تصادفی مانند قربانیان و یا
نمونه های بالینی صورت گرفته و قابل تعمیم به کل جامعه نیست؛ به
علاوه، به طور معمول اکثر مطالعات انجام شده از نوع مطالعه کمی
بوده و مطالعات عمیق تر و از نوع کیفی برای شناخت عوامل به
وجود آورنده این پدیده، کمتر دیده می شود.

- ▶ عوامل زمینه ساز در بروز خشونت خانگی علیه زنان
- ▶ **1) عوامل فرهنگی و اجتماعی:** مهم ترین عوامل فرهنگی و اجتماعی که می تواند زمینه ساز خشونت خانگی علیه زنان باشد عبارت از :
عدم اطلاع زن و مرد از نقش های واقعی خود در خانواده و جامعه،

▶ حاکم نبودن منطق در خانواده، توقعات دست نیافتنی، اهمیت ندادن به خواسته ها و نیازهای یکدیگر، گذشت کم و احترام نگذاشتن به یکدیگر، چشم و هم چشمی و به رخ کشیدن ها، عدم توانایی مرد در برخورد با ناملایمتی ها در خارج از خانه و مذهبی نبودن،

▶ 2- عوامل فردی و شخصی: مانند خودخواهی، زیاده طلبی، تربیت خانوادگی و مشاهده رفتار خشونت آمیز در خانواده پدری، تأثیرپذیری از رفقا و دوستانی که اهل خشونت هستند، بالا بودن سطح خشونت در کل جامعه و تأثیر اجتماع روی فرد، ازدواج در سنین پایین، ازدواج های بدون شناخت کامل از یکدیگر در ازدواج های سنتی و ازدواج های مدرن و نبود نقاط مشترک بین زن و مرد،

▶ ، تفاوت های بنیادین در خانواده های زن و مرد و عدم سازگاری آنان،
مهریه های پایین، اختلاف سطح سواد مرد و زن به خصوص بالاتر
بودن سواد زن هم می تواند از عوامل زمینه ساز بروز خشونت های
خانگی به شمار آیند

▶ ، استقلال و قدرت تصمیم‌گیری زنان در جامعه، کاهش تحمل و تمکین و اطاعت آنان از مردان و مهارت ناکافی زنان در پیشگیری از بروز خشونت در خانه، تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی خانواده‌ها و فخر فروشی، کمی سواد و آگاهی، عدم تمایل مردان به آموزش و اصلاح، فسادهای اجتماعی و اخلاقی و شیوع بالای اعتیاد و مصرف الکل، سوء استفاده از عواطف و احساسات و نقاط ضعف زن توسط مرد،

► سوءظن و بدگمانی، ارجحیت فرزند پسر، تربیت خانوادگی و رشد روحیه مردسالاری و خشونت طلبی در مردان، نبود علاقه و سستی روابط عاطفی بین زن و مرد، توجه صرف مردان به برطرف کردن نیازهای مادی زندگی از عوامل فرهنگی اجتماعی مهم زمینه ساز خشونت خانگی است

▶ از دیدگاه صاحب نظران فقدان آگاهی و ضعف فرهنگی جامعه از عوامل اصلی زمینه ساز خشونت خانگی علیه زنان در جامعه ایرانی به شمار می رود. رفتارهای مانند سوء ظن، شتاب در قضاوت، عصبانیت و تند مزاجی، مصرف مواد مخدر و الکل در مردان، زیاده خواهی و تجمل گرایی، عدم مسئولیت پذیری در زنان، وجود باورهای غلط مانند برتری جنس مرد، تحمیل تمام کارهای خانه به زن،

▶ ، فقدان مهارت های ارتباطی در زوجین و ناتوانی در رفع اختلافات از طریق تعامل فکری و حل مشکلات زندگی مشترک، ناآگاهی از حقوق و تکالیف زوجین نسبت به یکدیگر، عدم پای بندی به مسائل مذهبی و یا برداشت های غلط و توجیحات نادرست از قوانین شرعی از جمله عوامل مؤثر زمینه ساز خشونت معرفی شد

▶ صاحب نظران همچنین معتقد بودند که بسیاری از مشکلات کنونی جامعه ما به ویژه خانواده ها، ناشی از مرحله گذار جامعه از ساختار سنتی به ساختار مدرن است و افزایش سطح تحصیلات زنان، اشتغال و استقلال مالی زنان و **تغییر ساختار اجتماعی خانواده** منجر به تغییر نقش زن در خانواده و جامعه شده است.

▶ از طرف دیگر ناسازگاری مردان و زنان با این تغییرات و سبک جدید زندگی منجر به بروز مشکلات و افزایش سطح استرس در جامعه و خانواده می شود و در این میان افزایش کمی و کیفی ارتباط با جهان خارج از طریق رسانه ها و مسافرت ها و برخورد با فرهنگ جوامع مختلف در تشدید تأثیرات این مساله غیر قابل انکار است.

▶ صاحب نظران اعتقاد داشتند که نمایش تصاویر خشونت آمیز در رسانه ها می تواند به یادگیری و ترویج خشونت خانگی علیه زنان در جامعه منجر شود و بر روی سلامت روانی و معنوی خانواده ها تأثیر گذارد؛ ضمن آنکه وجود سابقه روابط خشونت آمیز در خانواده و وجود روابط خشونت آمیز در جامعه موجب آسیب پذیری بیشتر خانواده ها شده است.

▶ **2) عوامل اقتصادی :** مشکلات اقتصادی جامعه سبب کاهش آستانه تحمل مردان شده است و این امر می تواند زمینه ساز خشونت خانگی علیه زنان شود.

▶ صاحب نظران نیز با تأکید بر رابطه مستقیم میان فقر و خشونت در جامعه و خانواده، عدم ثبات و ضعف اقتصادی و وجود فقر و بیکاری در جامعه را از جمله عوامل مهم و زمینه ساز خشونت خانگی علیه زنان و سایر آسیب های اجتماعی بیان کردند

► بیکاری مرد، پایین بودن میزان درآمد و رفاه خانواده، وابستگی مالی زنان به همسر، تفاوت سطح اقتصادی خانواده های زن و مرد، عهده دار بودن سرپرستی مالی والدین و وابستگان نزدیک توسط مرد و زن و بالاخره تعارض حق مالکیت و استقلال مالی زنان با موضوع ریاست قانونی مرد در خانواده، از عوامل اقتصادی زمینه ساز خشونت خانگی علیه زنان به شمار می رود.

▶ **3) عوامل قانونی و حقوقی:** استتباط غلط از قوانین شرعی، ضعف قانون و عدم حمایت قانونی، اجتماعی و دولتی از زنان خشونت دیده و بی پناهی آنان، این زنان را بیشتر در معرض خشونت قرار می دهد.

▶ قانون گذار باید با یک نگاه ویژه نسبت به خشونت خانگی واکنش نشان دهد و توجه به پیامدهای منفی اجتماعی و خانوادگی خشونت خانگی، رفع عرصه خلاءهای قانونی، شفاف سازی و رفع ابهام از برخی قوانین و تقویت ضمانت اجرایی قوانین موجود، از راهکارهای ارائه شده در این نشست بود. صاحب نظران به نمونه هایی از قوانین کشور که اصلاح آنها نیازمند عزم سیاسی و ملی است اشاره کردند:

- ▶ - قوانین مربوط به سن ازدواج و عدم تطبیق سن بلوغ شرعی با رشد قانونی، اجازه پدر در ازدواج دختران
- ▶ - قوانین مربوط به ازدواج موقت، ازدواج های تحمیلی، اجباری و مصلحتی، تعدد زوجات
- ▶ - حق حضانت زن، حق طلاق و قانون ارجاع به داور، مصادیق عسر و حرج زن درخواست طلاق، فسخ نکاح
- ▶ - تعارض حق مالکیت و استقلال مالی زنان با مساله ریاست مرد در خانواده و اجازه شوهر

▶ اصلاح قوانین خانواده در جهت رفع نابرابری زن و مرد در خانواده و جامعه، تعیین شروط ضمن عقد و ضمانت های اجرایی لازم برای آن و نیز معقول کردن مهریه، می توان تا حدودی از بروز خشونت خانگی علیه زنان پیشگیری کرد.

► تأکید بر لزوم برنامه ریزی و مقابله با این معضل اجتماعی و نیاز به داشتن آمار و اطلاعات دقیق و استفاده از نتایج پژوهش های علمی، ضرورت فراهم ساختن امکانات لازم برای ثبت موارد خشونت خانگی و ایجاد یک نظام آماری و اطلاعاتی مناسب و ثبت صحیح و رسمی آن از طریق پرسشنامه های استاندارد را نشان می دهد

▶ فقدان قوانین شفاف و وجود خلأهای قانونی به همراه ضعف اجرای قانون در قوه قضائیه از سایر عوامل زمینه ساز خشونت خانگی به شمار می رود. صاحب نظران به کمبود آگاهی جامعه و اطلاعات زوجین و عدم پذیرش مسئولیت وظایف شرعی و قانونی خود بر مشکلات قانونی و حقوقی مربوط به این موضوع هم تأکید داشتند

► **4) عوامل پزشکی:** مشکلات جسمی اعضای خانواده از جمله نازایی یکی از زوجین و نبود فرهنگ مراجعه به روانپزشک و روان درمانگر، و بیماری های روانی در مردان، عوامل ارثی و ژنتیک و نیز مراقبت ها و بهداشت دوران بارداری مادران به عنوان مهمترین عوامل پزشکی مساعد کننده خشونت خانگی علیه زنان اشاره داشتند.

▶ بیماری های ژنتیکی، بیماری های روانی و نیز سوء مصرف مواد می تواند عوامل مهمی برای خشونت خانگی علیه زنان باشند.

- ▶ - راهکارهای پیشگیری از خشونت خانگی علیه زنان
- ▶ - راهکارهای پیشنهادی: شناسایی دقیق عوامل زمینه ساز خشونت و تلاش برای از بین بردن و حل ریشه ای آنها، شناخت تفاوت های دو جنس زن و مرد و نیازها و خواسته های هر یک، آموزش ویژگی های دوران گذرا به مرد و زن و تربیت صحیح فرزندان، توجه بیشتر به دانش آموزان و آموزش های قبل از ازدواج،

▶ آموزش های عمومی درباره تغییر نوع نگاه مثبت نگری، مهارت های زندگی و رفتار صحیح جنسی، معقول کردن فرهنگ ازدواج و مهریه، ایجاد فرهنگ شادی در جامعه و فرهنگ مراجعه به مشاور، طولانی کردن دوران آشنایی قبل از عقد و ازدواج،

► وضع قوانین بازدارنده برای مرتکبین خشونت، اجتناب از پخش فیلم ها و سریال های خشن در رسانه ها و عدم حضور در مکان های زمینه ساز خشونت از مهم ترین راهکارهای پیشگیری از این معضل به شمار می روند.

► ریشه‌کنی فقر، بیکاری و اعتیاد، اصلاح فرهنگ و باورهای عمومی جامعه، توانمندسازی زنان و ایجاد پناهگاه مناسب برای زنان خشونت‌دیده، آموزش در مدارس، خانواده‌ها، دانشگاه‌ها در زمینه رفتار صحیح، ابراز علاقه و برقراری ارتباط عاطفی با همسر، تعاملات اجتماعی، مهارت‌های زندگی و حقوق و تکالیف زنان و مردان در جامعه،

▶ قوانین شرعی (تفسیر صحیح قوانین و دستورات قرآنی) و آشنا کردن جامعه با الگوهای آرمانی و مناسب مذهبی و اجتماعی و تقویت عقاید و اصول مذهبی، تقویت گفتگو در خانواده برای تشویق اعمال و رفتار مثبت، آموزش مشاوره قبل از ازدواج، تقویت فرهنگ مراجعه به مشاوره و استفاده از روش های جدید رفتار درمانی

الف- راهکارهای آموزشی: صاحب نظران معتقد بودند که خشونت خانگی علیه زنان در جامعه باید یک رفتار غلط و نادرست تلقی شود و بنابراین باید راهبردهای مناسب برای آموزش و اطلاع رسانی به جامعه و نیز قانونی و اجباری کردن آموزش های کوتاه مدت و بلند مدت مرتبط با آن را برای افراد ذیربط در نظر گرفت. برای آموزش مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان به دو محور مهم محتوای آموزشی و روش های آموزشی توجه کرد:

► 1) محتوای آموزشی: تأکید صاحب نظران بر این نکته بود که محتوای آموزشی را باید متناسب با گروه هدف تدوین نمود. محتوای آموزشی که با هدف توانمندسازی زنان و مردان در مواجهه با مشکلات زندگی تشکیل می شود، آموزش های قبل و بعد از ازدواج در زمینه های حقوقی، بهداشتی و روانی از جمله آشنایی با مسوولیت های زن و مرد در خانواده، نقش ها و خصوصیات روان شناختی زن و مرد تفاوت های آنها،

► نحوه حسن معاشرت با یکدیگر، مهارت های ارتباطی و سازگاری برای مواجهه با مشکلات و انتخاب درست رفتارهای جایگزین برای حل مسئله، مدیریت استرس و کنترل خشم، رفتار و روابط صحیح در ارتباط زناشویی و جنسی، آموزش فرهنگ عفاف و بازگشت به فرهنگ دینی برای زن و مرد، نحوه سازگاری با تغییرات سبک زندگی از سنتی به مدرن و مشارکت زنان در تصمیم گیری خانواده را شامل خواهد بود.

▶ 2) روش های آموزشی: از نقطه نظر متخصصان، روش های آموزشی باید متناسب با محتوای آموزشی، و گروه های هدف در جامعه بوده و با استفاده از افراد کلیدی و متخصص بکار گرفته شوند

► ب - راهکارهای قانونی: صاحب نظران معتقد بودند که مفاهیم فرهنگی و حقوقی و مسولیت های زن و مرد در خانواده و جامعه نیازمند باز خوانی و اصلاح است و باید تعریفی صحیح و جامع و مورد توافق از خشونت خانگی و مصادیق آن در زندگی امروز و روابط زوجین در خانواده ارائه شود و به افراد، خانواده ها، تصمیم گیرندگان و سیاست گذاران اطلاع رسانی گردد.

▶ ج - راهکارهای حمایتی: توانمند سازی پزشکان و کارکنان نظام بهداشتی درمانی برای مدیریت موارد خشونت خانگی علیه زنان مورد توافق کارشناسان و صاحب نظران بود، ادغام خدمات مرتبط با خشونت خانگی در نظام مراقبت های بهداشتی اولیه و فراهم کردن زمینه ارجاع زنان آسیب دیده خشونت در نظام ارائه خدمات سلامت،

استفاده از روش های مانند گروه درمانی، خانواده درمانی به همراه آموزش و توانمند سازی خانواده های آسیب پذیر و قربانی خشونت با تأکید بر **برنامه های آموزشی مهارت های زندگی** شامل مهارت مواجهه با خشم همسر در زمان های بحرانی و اجتناب از ایجاد زمینه خشونت مانند حضور در مکان ها و فضاهای خاص از جمله مهمترین راهکارهای پیشنهادی بود

نظام مراقبت‌های اولیه بهداشتی

- 1- آموزش بهداشت با تاکید بر مهمترین مسائل
- 2- تامین آب آشامیدنی سالم و بهسازی اساسی محیط
- 3- ایمن سازی بر علیه بیماری‌های عمده عفونی
- 4- مراقبت از گروه آسیب پذیر جامعه (مادران و کودکان) و تنظیم خانواده
- 5- تغذیه و اصلاح روش‌های نگه داری مواد غذایی
- 6- پیشگیری از بیماری‌های شایع و بومی و کنترل آنها
- 7- درمان مناسب بیماری‌ها و حوادث
- 8- پیش بینی و تدارک داروهای اساسی و مورد نیاز
- 9- بهداشت روانی
- 10- بهداشت دهان و دندان
- 11- بهداشت حرفه ای

بحث

- ▶ بررسی مطالعات انجام شده در سایر کشورهای جهان و تطبیق آنها با نتایج این مطالعه نشان می دهد که در تمامی جوامع و سراسر جهان صرف نظر از سطح رفاه و شرایط اقتصادی فرهنگی، خشونت خانگی علیه زنان وجود دارد؛ ولی عوامل مساعد کننده آن چندان مشابه نیستند. در بخش اول مقاله

► مقایسه این پژوهش با پژوهش های مشابه انجام شده در ایران نشان می دهد که **عامل برتری مردان** در خانواده به عنوان یکی از عوامل اصلی زمینه ساز باید مورد توجه و کنترل قرار گیرد Faramarzi (et al 2005).

▶ در بررسی کیفی که انجمن تنظیم خانواده ایران در جنوب تهران انجام داد و نتایج آن تا حدودی با یافته های پژوهش حاضر مطابقت دارد، مشخص شد که ناآگاهی زن و مرد به ویژه زوج های جوان از حقوق و تکالیف خود در قبال یکدیگر، ناهماهنگی توقعات زن و شوهر، فقر، اعتیاد و عدم امنیت شغلی و اجتماعی از عوامل زمینه ساز خشونت خانگی بوده اند.

▶ در این بررسی بر اساس دیدگاه پاسخگویان، **خشونت پذیری زن و قدرت طلبی مرد** به طور سنتی جزو ارزش های مثبت تلقی می شود و به طور کلی خشونت علیه زنان مردود شناخته نمی شود. برای توجیه بیشتر خشونت نیز به برتری مردان استناد شده و گاه از متون فقهی و مذهبی هم سوءاستفاده می شود (پوررضا 1381)

▶ پژوهش دیگری در سال 1383 تأیید کننده این نکته می باشد که اعتیاد همسر، **بالا بودن تعداد فرزندان** و وضعیت ضعیف اقتصادی رابطه معنی داری با بروز خشونت خانگی علیه زنان دارد (احمدی و همکاران 1385)

▶ نتایج یک پژوهش انجام شده در غنا نشان داد که زنان مورد مطالعه، نقش های جنسیتی و هنجار های سنتی مرتبط با جنسیت را به عنوان ریشه های فرهنگی و سنتی خشونت علیه زنان می دانند. آنان معتقدند که استقلال مالی تنها وابستگی اقتصادی زنان را به همسران خود کاهش می دهد ولی منجر به کاهش وقوع خشونت علیه آنان نخواهد شد. (Amoakohene 2004)

▶ این مساله در پژوهش انجام شده در کشور فیلیپین نیز به شکلی دیگر تأیید شد. در آن مطالعه مشخص شد که شغل و درآمد نسبی زنان نمی تواند مانع بروز خشونت توسط شریک زندگی شود.

▶ این مطالعه نحوه تعامل زن و مرد در تصمیم گیری های کوچک و بزرگ خانواده را بر وقوع خشونت مؤثر دانسته و بیان کرده است که وقتی زنان تلاش می کنند تا در تصمیم گیری های خانواده نقش غالب داشته باشند، بیشتر مورد خشونت قرار می گیرند

▶ و نکته دیگر این که در خانواده های با درآمد کم، در زوج های جوان، در بین زنانی که شوهران بیکار داشته و یا کمتر به کلیسا می رفتند، خشونت بیشتری رخ می دهد. (Hindin and Adair 2002).
(در مطالعه ما نیز بر نقش اعتقادات مذهبی و عوامل اقتصادی بر بروز پدیده خشونت خانگی تأکید شده است.)

▶ خشونت علیه کودکان

▶ خشونت خانگی و واقعیتهای آزار دهنده و غیر قابل انکار در دنیای امروز است، در جهانی که محیط خانه می باید پناهگاهی باشد تا ساکنانش در آن بیسایند و خستگی ها و رنج های ناشی از دشواری های محیط بیرون خانه را به فراموشی بسپارند، متأسفانه برای بسیاری از مردم، خانه به جهنمی می ماند که آتش دشمنی، خشم، خشونت، کینه و انتقام در آن هر لحظه شعله ورتتر می شود.

▶ خشونت های خانگی مخصوص جامعه یا طبقه ی خاصی نیست، بلکه اکنون همه ی کشورهای دنیا و طبقات اجتماعی مختلف با آن دست به گریبانند و تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر روزه بر میزان آن افزوده است.

▶ اندیشمندان قرن حاضر را «عصر کودکان» نامیده اند و امروزه کودکان در جایی که باید امن ترین مکان برای آنان باشد، بیش از هر جای دیگر در معرض خطر هستند و در حقیقت احتمال اینکه کودکان توسط اعضای خانواده خود مورد انواع آزارها قرار گیرند بسیار بیشتر به این خطرات قرار دهند و از سوی دیگر در حال حاضر بخشی از منابع مادی و معنوی کشورهایمان که به توسعه اقتصادی و اجتماعی مطلوب تری دست یافته اند، صرف توجه به مسایل کودکان و حمایت روانی و جسمی آنان شده است.

▶ حدود کودک آزاری در خانواده از محروم ساختن کودک از غذا، لباس، سرپناه و محبت والدین تا مواردی که در آن کودکان از نظر جسمی توسط یک فرد بالغ آزار و بد رفتاری قرار می گیرند که آشکارا به صدمه دیدن و گاهی مرگ آنان منجر می شود گسترده است. با وجود این که خشونت علیه طفل در خانواده، طیف وسیعی از رفتارهای آسیب رسان را شامل می گردد اما باید گفت که تمامی این رفتارها حول چهار محور آزارهای جسمی، جنسی، غفلت و آزارهای عاطفی - روانی می گردد.

▶ پس از خشونت های فیزیکی نگاه محققان متوجه اعمال خشونت های روانی نسبت به کودکان در خانواده شد، تحقیقات بعدی بر پیچیده ترین بحث خشونت در خانواده، یعنی تجاوز و سوء استفاده های جنسی از کودکان متمرکز شد.

▶ بند اول - خشونت جسمی

- ▶ خشونت جسمی آشکارترین شکل خشونتی که ممکن است علیه کودکان واقع شود، هرگونه اقدام فیزیکی که جسم کودک را با هدف آسیب رساندن یا کنترل وی مورد آزار قرار دهد، در این بخش جای می گیرد. اشکال مختلف کودک آزاری جسمی شامل شلاق زدن، بستن کودک با طناب یا با اشیاء، کوبیدن به دیوار، سوزاندن با آب جوش یا مایعات داغ و یا استفاده از آتش سیگار (حدود ده درصد از کودک آزاری ها ناشی از سوختگی است) و تکان دادن شدید می باشد.

▶ بنابراین مشخص می گردد که ضرب و جرح جزء خشونت است اما در مورد این که آیا تنبیه های بدنی مانند پشت دست زدن، پس گردنی یا به پشت بچه زدن جزئی از خشونت جسمی می شود یا خیر اختلاف نظر وجود دارد. و همین امر باعث گردیده است که در مورد آزار جسمی تعریف واحدی وجود نداشته باشد. در واقع تعریف های کودک آزاری جسمی تحت تأثیر قوانین و مقررات و ارزش های فرهنگی هر جامعه خصوصاً در زمینه تربیت اطفال و تنبیه و مجازات آنان قرار دارد.

▶ بند دوم: خشونت جنسی

▶ کودک آزاری جنسی، درگیر کردن کودک در رابطه ای جنسی است که کودک از نظر رشدی قادر به تشخیص و درک آن و رضایت دادن آگاهانه نیست. این ارتباط جنسی بین یک کودک و یک بزرگسال یا کودک بزرگتری است که از نظر سنی یا رشدی در مقام مسئولیت، اعتماد یا قدرت قرار دارد..

▶ تعریف سوء استفاده جنسی از کودکان در بسیاری از جوامع شامل هر گونه فعالیت جنسی با شخصی است که راضی به این کار نباشد و یا رضایت او قانوناً معتبر نباشد. بنابراین در مواردی که یکی از طرفین به سن اعتبار رضایت نرسیده باشد، حتی اگر راضی یا خود باعث برقراری رابطه جنسی باشد می توان طرف دیگر را به سوء استفاده جنسی محکوم کرد.

▶ نکته قابل توجه این است که؛ اطفال به دو طریق ممکن است از نظر مسائل جنسی، مورد خشونت واقع شوند؛ طریقه اول زمانی است که کودک در طول مدت زمان معینی، از جانب یک فرد خاص مورد آزار جنسی قرار می گیرد که آن را اصطلاحاً «آزار جنسی» گویند. بنابراین در آزار جنسی، شخص آزار دهنده، یک فرد ثابت است و این عمل در طول مدت زمان تکرار می گردد.

▶ **طریقه دوم زمانی است که از کودک به جهت مقاصد شوم اقتصادی، تجاری، جنسی در فعالیت هایی که از آنها تحت عنوان «سوء استفاده جنسی» یاد می شود از جمله هرزه گری، روسپیگری و توریسم جنسی سوء استفاده می شود. بنابراین در سوء استفاده جنسی برعکس آزار جنسی، کودک از ناحیه فردی ثابت مورد استفاده قرار نمی گیرد بلکه سوء استفاده از کودک در سطح وسیع و به صورت شبکه ای انجام می یابد.**

▶ بند سوم: غفلت (بی توجهی)

▶ غفلت یا مسامحه، عبارت است از عدم فراهم آوردن احتیاجات غذایی، پوششی، مسکن، بهداشت و مراقبت های پزشکی سرپرستی و تحصیلی طفل توسط والدین یا قیم طفل. غفلت می تواند در همه خانواده ها وجود داشته باشد ولی اغلب در خانواده های کم درآمد مشاهده می شود. از مصادیق غفلت نسبت به کودکان می توان به موارد ذیل اشاره نمود؛

▶ 1) بی توجهی و غفلت جسمانی: مانند ترک و به حال خود رها کردن طفل و یا عدم رسیدگی به وضعیت تغذیه کودک است. این عدم توجه ممکن است به نتایجی چون پرتاب شدن طفل از بلندی، دسترسی طفل به اشیاء خطرناک مثل چرخ گوشت روشن، خروج وی از خانه و... شود.

▶ 2) غفلت و اهمال از جهت پزشکی: این نوع از غفلت، زمانی است که اهمال والدین در مواقع بیماری کودک و تأخیر در مراجعه به پزشک منجر به تأخیر در مداوا و حاد شدن بیماری و در مواقعی از دست رفتن کودک می شود.

▶ (غفلت هیجانی: مانند محبت نکردن کافی به کودک، بدرفتاری شدید یا مزمن با همسر خود در حضور کودک و یا برخورد نامناسب با دیگر اعضای خانواده که همگی ممکن است کودک را در معرض خطرات شدید عاطفی قرار دهد.

▶ 4) غفلت از جهت تعلیم و تربیت: این نوع از غفلت عبارت است؛ عدم توجه و رسیدگی به وضعیت تحصیلی کودک، بی اطلاعی و یا بی توجهی به ترک تحصیل یا فرار از مدرسه که معمولاً در خانواده هایی که از نظر تحصیلات و پایگاه اجتماعی در رتبه پایین تری قرار دارند رخ می دهد. همچنین پایین بودن سطح درآمد خانواده، زیاد بودن تعداد بچه ها و ناآگاهی والدین نیز می تواند از علل این نوع غفلت باشد

- ▶ (5) طرد کودکان شکل افراطی غفلت است. برخی اوقات تصمیم به طرد کودک برخاسته از نبود ساز و کارهای حمایتی یا در اثر فشار فرهنگی سنتی است. در برخی کشورها کودکان به دلیل عدم توانایی والدین در فراهم نمودن معیشت زندگی، یا باور آنان مبنی بر این که فرستادن کودک به خانواده ها یا مؤسسه هایی که دارای منابع بیشتری هستند تنها راه اطمینان از داشتن یک آینده بهتر برای کودکانشان است، طرد می شوند.
- ▶ در بسیاری از گزارش های کودک آزاری، غفلت، بیشترین رقم را نشان می دهد.

► بند چهارم: خشونت روانی (عاطفی)

- ▶ - رفتار و نگرش های منفی مدام نسبت به کودک به صورت کلامی مانند سرزنش مداوم، به کار بردن الفاظ زشت در صحبت با کودکان و شوخی های منفی مکرر با کودک که همگی سبب می شود کودک خود را واقعاً بی ارزش و مستحق توهین بداند. این احساس بی ارزشی کودک را مستعد انواع اختلالات روانی از جمله افسردگی و اضطراب می نماید.
- ▶ - انتظارات نامناسب با سن کودک و مقایسه کودک با همسالانش باعث ورود فشارهای روحی و روانی شدید علیه کودک می گردد.
- ▶ -

▶ - اعمال مقررات و کنترل شدید نسبت به کودک، ترسانیدن او از تنبیه سخت بدنی، تهدیدهای متداول مانند دوست نداشتن کودک، ممنوعیت برقراری ارتباط با دیگران و حتی اظهار نظر و تصمیم گیری برای همه کارهای کودک که او را عملاً از حق انتخاب محروم کرده و مانع از رشد **احساس فردیت** در کودک می شود.

- ▶ به خدمت گرفتن کودک در جهت ارضای نیازهای عاطفی خود: گاهی اوقات والدین، کودکان را در مقام قضاوت قرار می دهند و از آنها می خواهند در مورد ناعادلانه بودن وضعیت زندگی شان اظهار نظر کنند.
- ▶ این پدر و مادرها تمام بار عاطفی و هیجانی زندگی شان را روی دوش کودکانشان قرار می دهند حال آن که کودکان، خود نیازمند محبت و حمایت همه جانبه ای هستند.

► - مواجهه کودک با خشونت خانوادگی: بدرفتاری شدید و مزمن با همسر در حضور کودک نیز از مصادیق خشونت روانی علیه کودک است.

▶ پیشگیری از خشونت خانگی

▶ در برنامه پیشگیری از خشونت خانگی، خانواده‌ها و اعضای جوامع بیشتر مورد خطاب قرار می‌گیرند؛ چرا که آنان نقش مهمی در این فرایند به عهده دارند. دلیل این توجه به شرح زیر است:

- ▶ بررسی‌ها نشان می‌دهند که زنان آزار دیده در مرحله اول به نزدیک‌ترین افراد مانند اعضای خانواده گسترده (خویشاوندان)، دوستان و همسایگان مراجعه می‌کنند و تعداد کمی از آنان به سازمان‌ها یا مراکز خدمات تخصصی و مراکز دولتی مانند پلیس و دادگاه مراجعه می‌کنند؛
- ▶ (2) معمولاً خانواده‌هایی که دچار خشونت شده‌اند، از مراکز خدمات درمانی و اجتماعی دورند و حتی از خدماتی که مجاور آنها ارائه می‌شود، منفک گردیده‌اند؛

- ▶ (اعضای جوامع غالباً آگاهند که کدام خانواده‌ها نیازمند کمک هستند و چه کمک‌هایی می‌تواند وضعیت زندگی آنها را تغییر دهد؛
- ▶ 4) اعضای جوامع می‌دانند که کدام ارزش‌های فرهنگی، سنن و اقدامات از خشونت حمایت می‌کند و کدام برای توقف و مداخله در آن می‌تواند سودمند باشد؛
- ▶ 5) جوامع از مردان، زنان و جوانانی تشکیل شده که رابطه میان خشونت در خانه و در خیابان را درک می‌کنند و خشونت خانگی را مانع اساسی تحول و سلامت جامعه می‌دانند؛

▶ (بیشتر مردم و رهبران جوامع خواست و توانایی آن را دارند که مهارت‌هایی را پرورش دهند که در فعالیت‌های پیشگیرانه و مداخله در خشونت به آنها نیاز است. بنابراین مردم یک جامعه، مهم‌ترین زمینه برای صحبت و بحث درباره پیشگیری از خشونت خانگی و توقف آن هستند. هنوز در باب نحوه درگیر کردن مردم و رهبران گروه‌های اجتماعی، کاری جدی صورت نگرفته است.)

▶ راهبرد برنامه‌ها این است که منابع، درک و مهارت مردم را افزایش دهند تا فعالیت‌ها و توان جمعی را برای ایجاد تغییرات اجتماعی درباره کاهش خشونت خانگی به‌کار گیرند. یکی از مؤسسات، انجام کارهای زیر را برای پیشگیری از خشونت خانگی در جوامع، پیشنهاد کرده است



- ▶ (افزایش آگاهی عمومی
- ▶ (آموزش خانواده‌ها
- ▶ (3) رشد و پرورش همدلی در خانواده‌ها
- ▶ (4) تغییر اوضاع جامعه
- ▶ (5) ارائه خدمات اجتماعی
- ▶ (6) ارتقای پایگاه اجتماعی زنان

خسته نباشید

